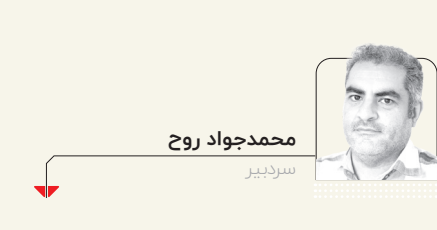


قدر دای پزشکيان باشيد

درباره تحلیلهای مخالفان داخلی و خارجی اصلاحات از رای ۱۵ تیر ماه



ناصر خسروی قبادیانی در شعر بر عقاب می‌گوید:

روزی ز سر سنگ عقابی به هوا خاست

واندر طلب طعمه پر و بال بیاراست

ناگه ز کمینگاه یکی سخت کمانی

نیری ز قضا و قدر انداخت بر اوراست

بر بال عقاب آمد آن تیر جگر دوز

وز ابر مر او را بسوی خاک فرو کاست

بر خاک بیفتاد و بغلتید چو ماهی

وانگاه پر خویش گشاد از چپ و از راست

گفتا عجبست اینکه ز چوبست وز آهن

این تیزی و تندوی و پر بدنش کجا خاست

چون نیک نگه کرد و پر خویش بر او دید

گفتاز که نالیم که از ماست که بر ماست

اما هستند کسانی که قدر آن عقاب نیز قدرت بینش و اندیشه ندارند. آنچه عقاب دریافت: مستلزم دیدن است. دیدن اینکه قدرت و قوت تیری که بر او نشسته، از پر خود اوست. اما در صحنه سیاست، مابا نیروها و جریان‌هایی طریقه که به در و دیوار می‌زنند تا واقعیت را ببینند. کار امروز و دیروزشان هم نیست. هنر همیشه‌گی‌شان است. اصولاً، هويت خويش را از ندیدن واقعيت می‌گیرند و از وارونه‌سازی حقيقت، ارتزاق می‌کنند. پیداست انتخابات اخیر و اصابت تیر شکست نیز، از این قاعده مستثنی نخواهد بود. بی‌آنکه واقعیت را ببینند و دریابند که چرا خلق الله چنین از آنان می‌هراسند، شروع کرده‌اند به تحلیل‌هایی شعبده‌آمیز. ظاهر قضیه هم عقلانی و منطقی است. اعداد و آمار را به کار می‌گیرند. سراغ تحلیل آرای استان‌های مختلف می‌روند. جمع و تفریق می‌کنند تا در نهایت، نتیجه بگیرند عامل شکست آنها در انتخابات و رویکردانی اکثریت رای‌دهندگان از آنان، ناشی از پارامتر قومیت بوده است. بعد هم فریاد و فغان سر برآورند که چه نشده‌اید که نیروهای قومیت‌گرا در حال تسلط یافتن بر دولت هستند و لابد اگر چوب لای چرخ پزشکيان نگذاریم، مملکت بر باد می‌رود.

البته، حق هم دارند. چه بگویند که به پزشکيان بچسبید؟ دینداری اش را زیر سوال ببرند؟ او که آنقدر قرآن و نهج البلاغه خواند که شاید بعد از شیخ محسن قرائتی، کسی در تلویزیون اینقدر به متون دینی استناد نکرده باشد. بگویند اهل فساد و رانت‌خواری است؟ او که برای طبابت هم، حق و حقوق خود را درست نمی‌گیرد، چه رسد به این کارها. بگویند نماد اشرافیت است؟ به بی‌قافه و تیپ و گفتار و کردار او نمی‌آید. تنها کاری که می‌توانستند بکنند بر چسب ساختن از دولت روحانی و هشدار درباره اطفارایان پزشکيان بود که اتفاقاً این هم، خلاف‌آمد عمل کرد؛ چون سرکنگبینی که صفرافزاید و روغن بادامی که خشکی نماید. پس، چه می‌توانند بکنند جز آنکه این‌بار پیراهن تمامیت‌رضی و هشدار درباره تجزیه‌طلبی و قومیت‌گرایی را برافرازند و به‌رغم هويت و شعارهای اینترناسیونالیسم اسلامی که سال‌هاست به آن می‌نازند، حالا با هشدارهای ناسیونالیستی به جنگ دولت منتخب برآیند.

اما این زُست جدید حتی اگر بهره‌رای از حقیقت برایش قائل

رخداد روز

دیدار روحانی و پزشکيان

گروه‌خبر: عصرروز گذشته،رئیس‌جمهور پیشین کشورمان به‌منظور تبریک‌پیروزی در دفتر رئیس‌جمهور

منتخب حضور یافت. روحانی در این دیدار برای پزشکيان در این مسئولیت‌خطیر، آرزوی موفقیت کرد. مسعودپزشکيان نیز بر ضرورت توجه جدی به معیشت مردم و پیشبرد گفت‌وگو، وفاق ملی و همگرایی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأکید کرد. حسن روحانی در این انتخابات از پزشکيان حمایت کرد و جمعی از مدیران سیاسی وی، از جمله فعالان ستاد پزشکيان بودند. در جریان تبلیغات انتخاباتی، تندروها برای تخریب پزشکيان از عبارت «دولت‌سوم روحانی» استفاده می‌کردند.

ادامه سر مقاله

در جنگ نیز حفظ‌خاکر بیهزای فتح‌شده سخت‌تر از اصل شکستن آن خاکر بیهزاست. به عبارت دیگر نمی‌توان انتظار داشت که فوری به خط پایان برسیم. چنین رفتاری موجب سرخوردگی می‌شود و بازخورد این سرخوردگی به بازتولید همان گزاره منحوس می‌انجامد. این گزاره را می‌خواهند القا کنند که: «هیچ چیز تغییر نکرده است.» در حالی که چنین نیست، «همه‌چیز تغییر کرده است.» کوشش برای القای اینکه هیچ‌چیز تغییر نکرده بهترین دلیل برای این است که همه‌چیز تغییر کرده است. چه تغییری از این بالاتر که اکنون روشن گردیده، ۶۰ درصد مردم(در دور اول) پای صندوق نیامدند. بیش از نیمی از آنان هم که آمدند به نامزد منتقد وضع موجود رای دادند. این نتیجه‌ای است که پیشتر هم در پیمایش‌های اجتماعی نشان داده شده بود که بالای ۷۵درصد مردم ویکرد منتقدانه و ناهمدلانه‌ای باسیاست‌های موجود دارند. از این پس هیچ خللی به این گزاره نمی‌توان وارد کرد. چه با به رخ کشیدن فلان مراسم آیینی دینی یا تشییع جنازه و راهپیمایی‌های

باشیم؛ با ان‌قلتی جدی مواجه است: فرض بگیریم ادعای شما درباره قومی بودن رای پزشکيان درست باشد و اگر آرای استان‌های آذری‌نشین، سیستان و بلوچستان، کردستان و مناطقی از غرب کشور نبود؛ حال شما بودید که بر جایگاه رئیس‌جمهور منتخب تکیه زده بودید. تصور هم کنیم تمام آرای پزشکيان در این استان‌ها صرفاً به دلایل قومیتی به نام او به صندوق ریخته شده است و هیچ‌گرایشی به اصلاح‌طلبی یا اعتراض به وضع موجود یا هراس از تحکیم پایه‌های تندروی و رادیکالیسم در میان رای‌دهندگان این مناطق وجود نداشته است. پرسش این است که نفس جذب شدن آرای این مناطق توسط رئیس‌جمهور منتخب (که در گفتار رسمی «رای به نظام» خوانده می‌شود)، رخدادی به سود منافع ملی و تمامیت‌ارضی است یا آنکه پایین‌ماندن مشارکت در این استان‌ها که همگی هم در مناطق مرزی واقع هستند، به سود کشور بود؟ پاسخ این پرسش روشن است. اگر اکثریت مردم استان‌های مرزی کشور امیدوی به پیگیری و شنیده شدن خواست‌ها و مطالبات خود نداشته باشند و سهم خود را در ساخت قدرت دولت مرکزی مشاهده نکنند؛ طبعاً و طبیعتاً، دچار گریز خواهند شد و حتی ممکن است با جریان‌های تجزیه‌طلب و تروریستی همگرایی و همنوایی پیدا کنند.

تجزیه‌سیستان و بلوچستان که سال‌هاست سهم خود را از چرخه توسعه نمی‌گیرد، پیش روی ماست. تجربه زاهدان و چابهار که با رویکرد یکجانبه‌گرایانه و تصمیمات اشتباه دولت سیزدهم در مهر ۱۴۰۱ به خون کشیده شد و طی دو سال گذشته، مدام با درگیری‌ها و تحرکات تروریستی مواجه بوده، بیش روی ماست. اینکه چهره‌ای چون مولوی عبدالحمید که زمانی متحد و حامی همیشگی اصلاح‌طلبان بود، در این انتخابات از حمایت مستقیم خودداری کرد و حتی در پیام خود به پزشکيان، تبریک را موقوف به تحقق وعده‌های وی کرد؛ نماد بارزی از این گسست و شکل‌گیری شکاف و فضای ناامیدی میان دولت و نیروهای مؤثر در این مناطق است. در واقع، آنچه به‌عنوان تشدید و تقویت نیروهای مشارکت‌گریز و ناامید از صندوق رای در کلیت کشور وجود دارد، در مناطق مرزی و قومیت‌نشین به شکل جدی‌تری قابلیت تحقق و تعمیق دارد و شاید اگر نامزدی چون پزشکيان در صحنه نبود، همین میزان جذب آرا در این مناطق صورت نمی‌گرفت و طبعاً در تحلیل‌ها، پایگاه نیروهای رادیکال و گریز از مرکز تقویت می‌شد.

با چنین نگاهی، نیروهایی که خود را دلواپسان تمامیت‌رضی کشور نشان می‌دهند (و اتفاقاً همان‌هایی هستند که در دولت روحانی، دلواپسان برجام و بهبود سیاست خارجی بودند)، اگر ادعای خود صادق هستند، اتفاقاً باید قن‌گردان پزشکيان و حامیان او باشند که با شعارها و رویکردهایی که در انتخابات طرح کردند، بخشی از پایگاه نیروهای گریز از مرکز را در مناطق قومی و نیز در میان اقلیت‌های مذهبی تضعیف کردند و در عوض، روزنه‌ای از امید به تحقق مطالبات و خواست‌های‌شان از طریق دولت مرکزی گشودند. روزنه‌ای که تحلیل‌ها و حملات همین ۲۴ ساعت اول پس از انتخابات از سوی مخالفان رادیکال، نشان از آن دارد که عزمی جدی برای بستن آن دارند و همانطور که برای جلوگیری از انتخاب پزشکيان هر چه می‌توانستند کردند، برای زمین‌زدن او هم، هرکاری بتوانند خواهند کرد. در این میان، بر خلاف ادعاهای‌شان تنها چیزی که اهمیتی در قاموس‌شان ندارد، امنیت‌ملی و منافع‌ملی ایران است. خواست مهم آنان، ناامیدسازی دوباره ایرانیان است…

تیتریک

HEADLINE ONE

رای قومی؟

واکاوی نسبت آرای پزشکيان به قوم‌گرایی در گفت‌وگو با کارشناسان

هم‌تُرک بود. «البته برخی از مخالفان این نگاه هم افرادی از حامیان جلیلی بودند؛ مانند سیداسر جبرائیلی، رئیس سابق مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت‌نظام که نوشت: «تحلیل قومیتی از نتیجه انتخابات هم خطا و دور از واقعیت است، هم ممکن است گسل‌هایی را که احتمال فعال شدنش در جریان انتخابات می‌رفت، در پساانتخابات فعال کند. دکتر پزشکيان با ۱۶/۳ میلیون رای رئیس‌جمهور شده است، نه ۲/۷ میلیون!» سینا کلهر، معاون وزیر ورزش دولت سیزدهم هم در مخالفت با این نگاه در شبکه ایکس نوشت: «تقلیل پیروزی پزشکيان به رای قومیتی یعنی نظام‌محاسباتی ماآمادگی پذیرش خطاها و اشتباهات انتخاباتی از نامزدها تا کمپین انتخاباتی را ندارد.» این اظهارات عجیب حتی صدای اعتراض علیرضا آکانی شهردار تهران و رقیب انتخاباتی پزشکيان را هم درآورد؛ «انتخاب رئیس‌جمهور با آرای تمام مردم ایران شکلی می‌گیرد و مظهر مردم‌سالاری دینی و اقدام ملی برای تعیین سرنوشت کشور است. تفسیرهای قومیتی از آرای منتخبان ملت، تضعیف مردم‌سالاری دینی و بی‌احترامی به تشخیص و قدرت اختیار جامعه‌رشدید و بصیر ایران است. ایران اسلامی متعلق به همه اقوام هست و همه اقوام در کنار هم همواره حافظ وحدت و یکپارچگی تمامیت‌رضی ایران بوده هستند.»

▼ اقوام ایرانی در انتظار رفع تبعیض

«کشور مادر ۴۵ سال گذشته نسبت به نگاه یکسان و نسبت به همه ایرانیان دچار مشکل بوده است.» این را **جلال جلالی‌زاده** می‌گوید. نماینده سسنجد در مجلس ششم تأکید می‌کند که «کاندیداهای ریاست‌جمهوری برای گرفتن رای وعده‌هایی می‌دهند که مورد نظر مردم هم باشد. پزشکيان هم در این دوره وعده عدالت‌خواهی و ایران برای همه ایرانیان را داده است. ترک، کرد، بلوچ، ترکمن برای اولین بار شاهد بوده‌اند که یک کاندیدای ریاست‌جمهوری مطالبات آنها را بیان کرده است.» او این را هم می‌گوید که پزشکيان در واقع وعده به اجرای قانون اساسی داده است؛ وعده‌ای که جرم نیست زیرا اجرای قانون اساسی یکی از وظایف رئیس‌جمهور است: «ملوه اقوام مختلف در رای دادن به پزشکيان پرنرگت‌ر بوده است زیرا آنها سال‌ها منتظر بودند که یک کاندیدای رئیس‌جمهور حرف دل آنها را بزند و به آنها امید بدهد. اما آنهایی که به اجرای قانون اساسی معتقد نبوده‌و همه‌مسائل نگاهی ایدئولوژیک دارند، وقتی مشاهده می‌کنند که مردم به آنها نظر ندارند ناراحت شده و برای جبران ضعف‌های خود کاندیدای ریاست‌جمهوری رامتهم به طرف‌داری از تجزیه‌طلبی می‌کنند.» جلالی‌زاده اضافه می‌کند: «این در حالیکست که این گروه از شهروندان به پزشکيان رای دادند به این امید که نگاهی یکسان به همه داشته‌و آنها را شهروندان درجه یک محسوب کنند.»

به گفته او برای رسیدن به وحدت و همبستگی ملی باید به همه اقوام ایرانی توجهی یکسان داشت و دولتی فراگیر وجود داشته باشد که به‌عنوان مثال برای نخستین بار از جمعیت چندین میلیونی اهل سنت در ایران برای اداره امور کشور استفاده کند: «آیا اگر پزشکيان از این جمعیت استفاده کند بر خلاف عدالت علوی و ضدحقوق بشری است؟ قطعاً پاسخ به این سوال منفی است. هر کس که در ایران رئیس‌جمهور می‌شود در جهت اجرای قانون اساسی باید همه اقوام ایرانی را به‌عنوان یک واقعیت و هويت ملی بپذیرد. نگاهی که باعث در اولویت قرار گرفتن منافع ملی و حفظ هر چه بیشتر همبستگی ملی می‌شود. این وحدت ملی هم باعث می‌شود که مادر مقابل بیگانگان از توان بیشتری برخوردار باشیم.» این فعال سیاسی تأکید می‌کند که افزایش نسبی حضور شهروندان استان‌های معترض در ۱۴۰۱، پای صندوق‌های رای دلیل بر آن است که این مردم با زبان بی‌زبانی و با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز خواستار مطالبه حقوق خود هستند؛ «آنها می‌گویند که ما اغتشاشگر نیستیم بلکه به دنبال تحقق مطالبات و احقاق حقوق

بازداشت فردای انتخابات

واکنش‌ها به اجرای حکم محسن برهانی استاد فقه و حقوق

دادگاه، احضار و به زندان معرفی شد. «او در همان سال ۱۴۰۱ هم طعم اخراج از دانشگاه را چشید و هیئت اجرایی جذب اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران با ادامه عضویت برهانی در هیئت علمی دانشکده حقوق مخالفت کرد. برهانی در ماجراهای بعد از اعتراضات و فشارهای غیرقانونی و فرافانونی به‌زنان بر سر مسئله حجاب هم تحلیل‌های روشن‌گرانه و علمی خود را در اختیار عموم شهروندان گذاشت تا با حقوق خود در این عرصه و البته سایر موارد آشنا شوند. این حقوقدان حتی در مصاحبه‌ای با «هم‌میهن» اعلام کرد که حجاب امری شرعی اما اجبار در آن بر خلاف شرع است و جایگاهی در فقه ندارد.

این خبر البته جامعه و به‌ویژه جامعه حقوقی کشور را به اعتراض واداشت. **علی‌اکبر گرچی**، **استاد حقوق اساسی** در واکنش به این خبر در شبکه ایکس نوشت: «دکتر برهانی از کنشگران انتخابات ۱۵ تیر بود که یک‌روز پس از اعلام نتایج بازداشت می‌شود. چرا؟ آیا هدف ابلاغ پیامی به دکتر پزشکيان و ناامید کردن مردم از بهبود امور است؟ دفاعیات برهانی از قربانیان مظلوم اعتراضات ۱۴۰۱ مستحق پاداش است نه تنبیه. او در آن حوادث پرچم‌دار عدالت اسلامی بود.»

احمد زیدآبادی، **تحلیلگر سیاسی و مشاور روزنامه هم‌میهن** هم در یادداشتی تلگرافی با اشاره به این خبر نوشت: «آمران و مسئولان اجرای این حکم معنی پدیده «هم‌زمانی» را نمی‌دانند؟ یعنی، اصلاً به ذهن‌شان خطور نکرده است که با اجرای حکم آقای برهانی درست یک‌روز پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری همه خواهند گفت؛ دیدید شروع شد؟ دیدید قرار است هیچ چیز تغییر نکند؟ دیدید هنوز با کفن انتخابات خشک نشده، کارشکنی را آغاز کردند؟ یا همه این «دیدیدها» به ذهن‌شان خطور کرد؛ ما اعتنایی نکرده‌اند؟ و یا اصلاً



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

ایران برای همه ایرانیان است: از هر قوم و قبیله و با هر اعتقادی. با این حال موفقیت مسعود پزشکيان در برابر سعید جلیلی در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری نشان داد که برخی افراد وابسته به جناح تندرو این اصل اساسی و مصرح در قانون اساسی کشور را بر نمی‌تابند. آنها برای توجیه عدم توفیق خود در جلب مشارکت و اعتماد مردم آرای پیروز این میدان را مروهون آنچه آرای «قومی و قبیله‌ای» نامیده‌اند، می‌دانند. افرادی مانند آن فعال فضای مجازی که در شبکه ایکس نوشته است: «سه استان برابر تعصب قومیتی مسعود پزشکيان را رئیس‌جمهور کردند. اختلاف رای جلیلی و پزشکيان در آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل: ۲ میلیون و ۷۵۰ هزار اختلاف. رای جلیلی و پزشکيان در کل کشور: ۲ میلیون و ۸۴۶ هزار.» امیر حسین ثابتی، نماینده اسولگرای مجلس هم در توتیت خود موارد مشابهی را عنوان و اضافه کرد: «یعنی مزیت اصلی و تمام‌کننده پزشکيان در این انتخابات نه‌گفتمان یا رویکردسیاسی او یا حتی بعضی از دوقطعی‌های سیاسی، فرهنگی بلکه رای قومیتی او در ۴ استان -کردستان، آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل- بوده که باعث شده در یک‌قایت بسیار نزدیک، باهمان میزان رای بیشتر در استان‌های شمال غربی انتخابات را نیز ببرد.»

حتی برخی این قول پزشکيان مبنی بر سهیم کردن نخبگان اقوام و مذاهب در اداره امور مهم و حل مشکلات شاخص کشور را هم معطوف به تمایلات تجزیه‌طلبانه او دانستند. ارزیابی‌های تند و سوگیرانه‌ای که نشان می‌دهد این افراد ایران را از آن همه ایرانیان نمی‌دانند و اعتماد به دلیل تشابهات فرهنگی به یک فرد را با قوم‌گرایی نسبت می‌دهند. اشتباهی که یا از سر ناآگاهی است یا به دلیل قوم‌گرایی خود این افراد؛ کما اینکه‌با این گفتمان به‌نظر می‌رسد در نگاه این افراد تنها قومیتی که اجازه تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر سرنوشت کشور را دارد تنها استان‌های مربوط به ایران مرکزی‌اند که عمدتاً هم از قومیت فارس متشکل شده‌اند. جالب آن‌که پزشکيان در استان‌های غیرآذری مانندسیستان و بلوچستان، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، لرستان، گیلان و… هم موفق شده بیشترین رای اعتماد را از مردم بگیرد. مشخص نیست پاسخ تندروها به این آمار چیست؟ آنها که می‌گویند آرای پزشکيان و جلیلی در تمامی استان‌ها به جز همین چهار استان نزدیک به هم بوده است، باید به این سوال پاسخ دهند که در شرایطی انباشت بی‌اعتمادی و ناراضیاتی مردم از نحوه اداره کشور در همه ابعاد و تصمیم‌آنها برای عدم مشارکت در انتخابات -مانند آنچه در دوسه انتخابات اخیر هم رخ داد- جلب اعتماد حتی یک نفر بیشتر تا آنجا که او را پای صندوق‌های رای یکشاند به شدت سخت و البته نیازمند مؤلفه‌ای فراتر از زبان و هم‌شهری‌بودگی است. تفاوت آرای دو رقیب انتخاباتی در همه شهرها و استان‌های کشور نشان داد که احتمالاً پزشکيان در نگاه رای‌دهندگان خود دارای این مؤلفه بوده است؛ مؤلفه‌ای که احتمالاً درد مشترک این روزهای بخش بزرگی از جامعه ایران نیست. به هر روی این اظهارات نامعقول و غیر منطقی که به جای ریشه‌یابی نارضایتی‌ها از حامیان تندرو جلیلی سعی داشتند موضوع را به تمایل تجزیه‌طلبی و قوم‌گرایی تقلیل داده و اتهامات امنیتی را متوجه جناح مقابل کنند هم بازتاب گسترده‌ای داشت و هم پاسخ‌های قابل تأملی دریافت کرد. محمدرضا مهاجر، فعال توییتری با اشاره به انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۶ و برتری آرای روحانی نسبت به رئیسی در سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل در شبکه ایکس نوشت: «مرحوم رئیسی در مجموع این سه استان تقریباً نصف روحانی رای آورد. لابد حسن روحانی



بازداشت فردای انتخابات

واکنش‌ها به اجرای حکم محسن برهانی استاد فقه و حقوق



شادی مکی

گزارشگر هم‌میهن

«عنوان اتهامی محسن برهانی، وکیل دادگستری، نشر اکاذیب بوده که در سال ۱۴۰۱ در دادرسی ویژه روحانیت تشکیل شد.» این مطلب را مرتضی مصلحی به هم‌میهن می‌گوید؛ وکیلی که در جریان پرونده برهانی قرار دارد. او ادامه می‌دهد: «با توجه به اینکه برهانی حوزوی است پرونده اش در سال ۱۴۰۱ در دادرسی ویژه روحانیت تشکیل و در سال ۱۴۰۲ هم دادنامه آن صادر شد.» به گفته این وکیل علت این عنوان اتهامی هم مطالب و پست‌های توییتری اوست که در واقع حاوی نقدها و تحلیل‌های حقوقی برهانی بوده است. «اما محسن برهانی کیست؟ سوالی که شاید همه کمابیش پاسخ آن را بدانند. او حقوقدان و وکیل دادگستری است که همه او را به دلیل تحلیل‌های حرفه‌ای و حق‌طلبانه اش در هر دو حوزه فقه و حقوق به‌ویژه در بحبوحه اعتراضات ۱۴۰۱ شناختند. او روز گذشته راهی زندان شد؛ خبری که مرکز رسانه قوه قضائیه منتشر کرد. برهانی از حامیان مسعود پزشکيان در انتخابات روز ۱۵ تیر هم بود و جالب آن‌که دقیقاً یک روز بعد از پیروزی پزشکيان در انتخابات، او را برای اجرای حکم پرونده اش راهی زندان کردند. مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرد: «محسن برهانی که پیشتر در فرآیند رسیدگی به یک پرونده قضایی در محاکم قضایی محکوم و حکم‌وی قطعی شده بود، برای اجرای حکم قانونی

گزارش یک

گزارشگر هم‌میهن

گزارش دو

گزارشگر هم‌میهن